

شفیعی نقاش بود شاید که با نقش زدن این تصاویر شاهکارهایی در عرصه نقاشی می‌آفرید.

گزاره‌های فلسفی در لباس بلاغت و تخیل:

در پنج دفتر شعری مجموعه هزاره دوم آهوی کوهی، تمایل شاعر به تأملات فلسفی رنگ بیشتری دارد. در شعرهایی که رنگمایه فلسفی دارند، عمدتاً یک گزاره فلسفی شالوده شعر را شکل می‌دهد. شاعر جامه‌ای خیالین و جلوه‌ای بلاغی بر قامت آن ایده می‌پوشاند وحدت ایده و معنا عامل اصلی سازمان دهنده به شعر است. در اینجا نیز شاعر تنها یک ایده واحد را بیان می‌کند و بس و دیگر سخن را به زواید و اضافات نمی‌آلاید. پاره‌ای از گزاره‌های فلسفی او از این قرارند:

- هر چیز که جادوانه تر باشد جادوانه تر است (هزاره ۴۰۸)
- مرجع ضمیر زندگی کجاست؟ (هزاره ۴۰۲)
- تمام پویه‌ی انسان به سوی آزادی است (هزاره ۴۲۳)
- بیقراری انسان در جهان، نتیجه پرداختن انسان به بیرون از خویش است (آگاهی) (هزاره ۲۵۲)
- انسان آمیزه‌ای از اضداد است (هزاره ۲۲۰)
- هرکسی جهان را در اسلوبی بیان می‌کند. (هزاره ۶۰)

- تکرار تلخ تاریخ: تا آستانه روز آمدن دوباره در قصر ظلمت فرو شدن (هزاره ۳۷)
- قرار زندگی از بیقراری است (هزاره ۴۶۵)
- وجود انسان است که جهان و زمان را معنا می‌بخشد (هزاره ۴۵۳ و ۴۵۵)
- انسانهای برتر و آگاه‌تر تنها بند. هزاره (۳۱۹، ۳۲۱، ۳۱۴، ۳۹۰)
- خدا و هنر و زندگی سه نهان ازلی‌اند (هزاره ۳۹۸)
- کسی نمی‌داند در پشت این واژه «زندگی» چیست؟ (هزاره ۴۶۰)

- با پرسش دشواره «دانستن آیا چیست؟» آسان توان، ناگاه، عجز آگهان را دید. (هزاره ۴۶۲)
- نگاه تازه بیاور که بنگری در زیر آفتاب همه چیز تازه است. (هزاره ۴۸۰)

این ایده‌های حکیمانه خود ستون فقرات شعرهای فلسفی شفیعانی است. که تمامت شعر در پیرامون همان ایده می‌چرخد و ذهن شاعر در روند خلق شعر از چنگ این ایده رها نمی‌شود تا کار آفرینش به کمال برسد. تمام وجود شاعر تحت سیطره ایده اوست. و وحدت سازماندهی شعر محصول غلبه ایده بر ذهن و ضمیر شاعر است. می‌توان در اینجا از شاعرانی سخن گفت که تخیل مطلق العنان آنان از چنگ هر ایده‌ای گریخته و محصول عمل هنری ایشان چیزی نیست جز توده‌ای از خیالات رنگین و پر زرق و برق که گاه تنها رشته وزن و قافیه، این توده رنگین بی تناسب را به زنجیر می‌کشد.^۸ و درینا که ذوق‌های مشوش لحظه پرست نیز چنین کلافه‌های سر در گمی را نمونه‌ی اعلای هنر می‌پندارند. چرا که جلوه مصالح رنگارنگ شعر و تمهیدات پرطمطراقی همچون حسامیزی، آشنایی زدایی، جدول ضرب کلمات، استعاره‌های رنگین و در یک کلام نبرد

زبان فارسی در بلغارستان

مردم بلغارستان بر خلاف بسیاری از ساکنان اروپای غربی کم و بیش با تاریخ ایران، زبان و فرهنگ آن آشنا هستند بویژه از روشنفکران این کشور برخی از آثار و نوشته‌های بزرگان ادب پارسی را خوانده‌اند و از تکامل تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران باستان و معاصر آگاهند. در زبان بلغاری کهن و معاصر صدها واژه پارسی وجود دارد که در مکالمات روزمره استعمال می‌شود. تعداد این واژه‌ها حدود ۱۰۰۰ عدد است که بیشتر از طریق زبان ترکی وارد این زبان شده است. تسلط ۵۰۰ ساله عثمانی بر این کشور (از ۱۳۹۶ تا ۱۸۷۸ میلادی) زمینه‌ای مناسب برای نفوذ فرهنگی ایران در این سرزمین ایجاد کرده است.

نخستین آشنایی با زبان و ادبیات فارسی در نیمه اول قرن نوزدهم صورت می‌گیرد. در این موقع (سال ۱۸۴۸) بخشی از شاهنامه فردوسی، رستم و سهراب در فصلنامه ادبی «کاستف و می‌شف» انتشار می‌یابد و بعد در سال ۱۸۵۱ آثاری از گلستان سعدی در همین فصلنامه از فارسی به بلغاری برگردانده می‌شود که عمیقاً مورد توجه قرار می‌گیرد.

در پایان قرن نوزدهم مترجمی بنام «چرنوویزس» بخشهای دیگری از آثار فردوسی، مولانا، سعدی و حافظ را از فرانسه ترجمه و در دسترس دوستداران ادبیات شرق قرار می‌دهد. بلغارها در سال ۱۹۲۳ هزاره فردوسی را با انتشار کامل «کاوه آهنگر» و معرفی شاعر پارسی‌گوی ایران برگزار می‌کنند. یکسال بعد ترجمه رباعیات خیام بلغارها را شیفته خود می‌سازد.

از آن تاریخ تاکنون آثار بسیاری از نویسندگان، شاعران، فلاسفه و دانشمندان ایرانی به زبان بلغاری برگردانده شده است. در بیست سال اخیر بسیاری از نویسندگان و شاعران معاصر ایران به این گروه پیوسته‌اند: صادق هدایت، جلال آل احمد، صادق چوبک، سیمین دانشور، لاهوتی، کسرائی، شاملو، سپهری، افغانی و امین فقیری از آن جمله‌اند.

استاد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که در ایام تسلط عثمانی بر بلغارستان و سالهای بعد از آن بسیاری از حکام ترک با زبان فارسی آشنا بوده‌اند و تدریس این زبان در شهرهای پلودیف، وارنا و صوفیه رواج داشته است. شایع است که برادران «کریل» و «متودی» پایه‌گذاران خط اسلاو در قرن نهم میلادی به پارسی سخن می‌گفته‌اند و شاعران برجسته بلغاری «پنججو اسلاویک» و «ایوان وازوف» با فارسی کم و بیش آشنا بوده‌اند.

وجود صدها کتاب فارسی و نسخه‌های خطی از آثار پیشوایان ادب پارسی در کتابخانه ملی صوفیه بیانگر توجه ویژه مردم این کشور به زبان و فرهنگ کهن و معاصر ایران است.

خیال با منطبق زبان را شعر ناب و مطلق می‌پندارند غافل از این که این همه مصالح و تمهیداتی است برای ساختن «شکل‌های جاودانه» و در حقیقت هنر یعنی عمارت شکل و خلق پیکره‌هایی با هویت خاص. گویی اینان نمی‌دانند که تناسب و تقارن ذاتی هنر است. شعر خوب، یک زبان چند بعدی است که تجربه زیباشناسانه‌ای را به تمام ابعاد ادراکی بشر منتقل می‌سازد. شعر خوب بعدی عاطفی دارد و بعدی تخیلی، و بعدی توأم بالذات جسمانی و در نهایت یک بعد عقلانی. یعنی عاطفه، خیال، جسم و عقل هر کدام بهره و لذت خویش را از آن می‌برند، مسلم است آنچه عقل می‌جوید و می‌پسندد تناسب و تقارن است وحدت است و انسجام تجلی کثرت در وحدت و وحدت در کثرت، آنچه خیال می‌پسندد رهایی و آزادی است آزادی از قید و بند عقل و آنچه عاطفه می‌پسندد همسویی و همدلی انسانی است شفقت است و ترجم و دلسوزی، و جسم هم علی‌حده در جستجوی لذات خاص خویش است. بدون شک تنها شکل هنری بدیع و مستحکم است که همه این ابعاد را در خود دارد و شعر شفیعانی جمله اشعاری است که عقل و عاطفه و خیال را لذت می‌بخشد شکل مندی آن نیز بقا و جاودانگی‌اش را تضمین می‌کند شعر او هنر مطلوب اهل فضیلت و خرد است. شعری است که پسند آن از میان بخردان آغاز می‌شود و به تدریج مقبولیت عام می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مجموعه از تمایز زبان پیازه است. و عبارت است از ترکیبی که عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن از کل ترکیب مستقل است و پیوندی میان اجزاء وجود ندارد. مجموعه در برابر ساخت قرار دارد. فصلنامه‌ی ارغنون ش ۴، ص ۲۹

2- Hough, Graham, Stylet Stylistics, Routledge, London, 1972, P.3

۳- شاعرانی هستند که به «شعر زبان» توجه دارند و «زبان شعر» را مرده می‌دانند. اینان به گزینش جملات عاطفی و صمیمی از محاوره‌های روزمره توجه بلینی نشان می‌دهند رک سفر بخیر، مسافر غمگین پاییز پنجاه و هشت، سید علی صالحی، انتشارات محیط، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۶

۴- بابک احمدی، حقیقت و زیبایی، ص ۲۰۸
۵- دیوید ویچز، شیوه‌های نقد ادبی، ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و محمد تقی صدیقیان، علمی، تهران چاپ دوم، ۱۳۶۹، ص ۲۵۷

۶- مولانا در غزلیات نیز می‌فرماید:
عالم جو آب جوست بسته نماید ولیک

می‌رود و می‌رسد نونو این از کجاست؟
۷- فرمالیست‌ها معتقدند که «محتوی صرفاً انگیزه‌ای برای فرم یا موقعیت و بستر مناسبی برای اعمال فرمی خاص» است، تری ایگلتن پیش درآمدی بر نظریه‌ی ادبی، ترجمه‌ی عباس مخبر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۸، ص ۶

۸- در تاریخ ادبیات فارسی خیال‌بندان و پیروان طرز خیال در سبک هندی از زمره‌ی این شاعرانند، در دهه‌ی چهارم و پنجاه نیز طرفداران شعرهای موج و حجم نیز به گونه‌ای دیگر از شکل و ساخت غافل شدند، امروز نیز بسیاری بزرگ شعر فارسی فقدان ساخت و شکل منسجم و مقبول است.